

کتاب دانیال - شماره صد و هفت

روایت پیامبرانه: از یربعام تا یوشیا و احیای راه‌های کهن

Jeff Pippenger

2024-02-29

در سال ۱۸۴۴، پروتستان‌های ایالات متحده از جنبش میلرایی کناره‌گیری کردند و موضع نبوی خود را به‌عنوان «دختر بابل» اتخاذ نمودند؛ چنان‌که در نمونه یربعام نمایان است که هنگام جدایی ده سبط شمالی‌اش از پادشاهی جنوبی یهودا، نظامی جعلی برای پرستش برقرار کرد. دو گوساله طلایی یربعام، یکی در شهر بیت‌ئیل (به معنای «خانه خدا»/کلیسا) و دیگری در دان (به معنای داوری/دولت)، نماد نظام باطل کلیسا و دولتی بود که ویژگی ایالات متحده به‌شمار می‌آید. همه عناصر نظام جعلی کلیسا و دولت یربعام بر همان ساختاری الگو گرفته بود که در سرکشی هارون برپا شده بود. بنابراین، نظام جعلی پرستش یربعام تصویری از نظام جعلی پرستش هارون بود.

نظام جعلی یربعام نمایانگر نظام پرستشی بود که پروتستان‌تیسیم، هنگامی که از جنبش فرشته نخستین جدا شد و به دختری، یا تصویری از وحش رومی نهاد پاپی بدل گشت، از آن حمایت کرد. در همان هنگام بنیان‌گذاری نظام جعلی یربعام، پیامبری از یهودا با مذبج او و نظام دروغین پرستش او روبه‌رو شد. در سال ۱۸۴۴، درست در آغاز نقش پروتستان‌تیسیم مرتد در برپایی نظامی از پرستش که به‌عنوان دختر روم معرفی می‌شد، میلری‌ها با ایمان وارد قدس‌الاقداص معبد آسمانی شدند و سبت را شناختند، و بدین‌سان توییخی نبوی برای دختران روم بودند که برگزیدند همچنان نشان اقتدار روم، یعنی عبادت یکشنبه، را حفظ کنند.

پیامبر یهودا که در برابر یربعام ایستاد، همان‌جا و همان‌دم نبوتی را اعلام کرد.

و او به کلام خداوند علیه مذبج فریاد زد و گفت: ای مذبج، ای مذبج، خداوند چنین می‌گوید: اینک کودکی از خاندان داوود زاده خواهد شد، به نام یوشیا؛ و او کاهنان بلندی‌ها را که بر تو بخور می‌سوزانند، بر تو قربانی خواهد کرد، و استخوان‌های آدمیان بر تو سوزانده خواهد شد. و همان روز نشانه‌ای داد و گفت: این است نشانه‌ای که خداوند فرموده است: اینک مذبج شکافته خواهد شد و خاکستر روی آن فرو ریخته خواهد شد. اول پادشاهان ۱۳:۲، ۳.

در آن نبوت، واژه «مذبج» به‌صورت دوگانه تکرار شده بود. تکرار دوگانه یک واژه یا عبارت در نبوت، نماد پیام فرشته دوم است و از این رو سال ۱۸۴۴ را مشخص می‌کند؛ زمانی که فرشته دوم رسید و پروتستان‌تیسیم سقوط کرد و به دختر بابل تبدیل شد. هم‌زمان پیامبر نشانه‌ای داد، همان‌گونه که پیروان میلر در سال ۱۸۴۴ نشانه سبت را شناختند. هنگامی که یربعام در آیات بعدی پیامبر را تهدید کرد، دستش خشک شد؛ و این به نشانه بابل اشاره دارد که بر پیشانی یا بر دست تحمیل می‌شود و اگر پذیرفته شود، انسان را از نظر روحانی تا ابد فلج می‌کند.

برای اهداف این مطالعه، ما پیشگویی‌ای را که پیامبر بیان کرده و در آن اعلام شده است که «فرزندی برای خاندان داوود زاده خواهد شد، به نام یوشیا؛ و بر تو کاهنان بلندی‌ها را که بر تو بخور می‌سوزانند قربانی خواهد کرد، و استخوان‌های مردمان بر تو سوزانده خواهد شد» در نظر می‌گیریم. یوشیا به معنای «بنیاد خدا» است و نمایانگر بنیادهای ادوتیسیم است که در همان تاریخی بنا شد که آغاز نظام کاذب عبادت یربعام نمونه‌اش بود. بر ضد نظام کاذب عبادتی که یربعام برقرار کرده بود، یوشیا کاهنانی را که پرستش بدلی را رهبری می‌کردند مجازات خواهد کرد.

پیامبر از فرمان خداوند سرپیچی کرد که نباید از همان راهی که برای مراسم آغاز سلطنت یربعام آمده بود بازگردد، و نباید در بیت‌نیل چیزی بخورد یا بنوشد. وقتی خوراک پیامبر دروغین بیت‌نیل را خورد، به نمادی بدل شد از مرگی که بر کسانی که پس از ۱۸۴۴ بازگشتن و تغذیه از تعالیم و روش‌های نبوی کاذب پروتستانیسم مرتد را برمی‌گزینند — چنان‌که شورش ۱۸۶۳ آن را نمایندگی می‌کند — نازل خواهد شد. بستر مرگ کسانی که در ۱۸۶۳ شورش کردند، همان بستر مرگ پیامبر دروغین بیت‌نیل خواهد بود. بستر مرگ پروتستانیسم مرتد، تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ بود؛ زمانی که آنان — قوم برگزیده پیشین خدا — کنار گذاشته شدند و دختران روم گردیدند. بستر مرگ ادونتیسیم لائودکیایی نیز میان تاریخی که فرشته نیرومند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، همان‌گونه که در ۱۸۴۰ نیز فرود آمده بود، فرود آمد، و ساعت زلزله عظیم — که نمایانگر قانون یکشنبه قریب‌الوقوع است — خواهد بود.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرایند مهر و موم صد و چهل و چهار هزار نفر آغاز شد و فرشته در اورشلیم به حرکت درآمد و بر پیشانی کسانی که برای رجاسات انجام‌شده در سرزمین (ایالات متحده) و در کلیسا (ادونتیسیم لائودیکی) ناله و زاری می‌کنند، نشانه‌ای نهاد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، گناهان پدران که چهار رجاسات حزقیال نماینده آن‌هاست، در روند مهر و مومی که همان‌گاه آغاز شد، به حقایق آزمون‌گر زمان حاضر تبدیل شدند.

آزمون سال ۱۸۶۳ به بنیان‌های جنبش میلری مربوط می‌شد، همان‌گونه که با «هفت بار» لایوان فصل بیست‌وشش نمایانده می‌شد، که در سال ۱۸۶۳ رد شده بود. این آزمون شامل آمادگی یا ناآمادگی برای بازگشت به راه‌های کهن ارمیا به منظور یافتن آرامش باران پسین بود. آزمون سال ۱۸۸۸ پیام به کلیسای لائودیکیه بود، چنان‌که توسط کشیشان جونز و واگنر آورده شد، که همان پیام عادل‌شمرده‌شدن از راه ایمان نیز بود.

در سال ۱۸۵۶، پیام به لائودیکیه برای نخستین بار در جنبش میلری‌ها پدیدار شد و با نور افزوده «هفت زمان» همراه بود، اما هم تجربه‌ای که با درمان‌های موجود در پیام به لائودیکیه نمایانده شده بود و هم پیام تاریخ پیش‌گویانه در سال ۱۸۶۳ رد شدند. آن تجربه با رؤیای (mareh) «ظاهر» نمایانده شده بود، و نیز با رؤیای (chazon) «تاریخ پیش‌گویانه»؛ و هر دوی آنها رد شدند. هر دوی آن رؤیاها در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق خود را یافته بودند، و نوزده سال بعد هر دو رد شدند، زیرا عیسی همواره پایان را با آغاز یکی می‌داند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آزمون شورش‌های ۱۸۶۳ و ۱۸۸۸ بار دیگر به معیاری برای آزمون حقیقت بدل شد، زیرا هر دو با راه‌های کهن ارمیا پیوند داشتند. در همان تاریخ، پیام باران آخر رسید، و آزمون ۱۹۱۹ نیز فرا رسید؛ زیرا در سال ۱۹۱۹، انجیل دروغینی از مسیحی که از هرگونه ارتباط نبوی تهی است، به صورت پیامی بدلی «صلح و امنیت» مطرح شد. هنگامی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده فرود آمد، آیات یک تا سه تحقق یافت، و آیات یک تا سه نمایانگر پیام «صدای نخست» هستند.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روییده شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آنجا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل هجدهم مکاشفه هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آن‌جا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald

با آمدن فرشته مکاشفه هجده، باران پسین به صورت نم‌آغاز به باریدن کرد و «مناظره نبوی» که در باب دوم حقوق به تصویر کشیده شده، آغاز شد. این مناظره درباره دو روش برای درک نبوت‌های کتاب مقدس و نیز درباره پیام باران پسین دروغین و راستین بود. این مناظره زمانی پایان می‌یابد که «صدای دوم» مکاشفه هجده برسد و آغاز داوری اجرایی خدا بر بابل معاصر را مشخص می‌کند و گوسفندان دیگر خدا را از بابل فرامی‌خواند. آمدن آن صدای دوم، نشان‌دهنده پایان تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار است که با «رجاست چهارم» نمایانده می‌شود؛ و آن نیز نماینده نسل چهارم و نهایی ادونتیسیم لائودیکی است که در هنگام قانون نزدیک‌الوقوع روز یکشنبه در برابر خورشید سجده می‌کند.

بستر احتضار پروتستانتیسیم مرتد، که میان نزول فرشته و در بسته 1844 بود، نمونه بستر احتضار ادونتیسیم لائودیکه‌ای بود که آن نیز میان نزول فرشته و در بسته قانون یکشنبه قریب‌الوقوع قرار دارد. پیامبر اهل یهودا در همان قبری که پیامبر دروغگوی بت‌ئیل در آن دفن شده بود، به خاک سپرده شد و هنگامی که پادشاه یوشیا اصلاحات خود را آغاز کرد، در برابر همان قبر ایستاد. اصلاح پادشاه یوشیا، که نامش نمایانگر "بنیادهای خدا" است، از وقتی آغاز شد که خدا در 11 سپتامبر 2001 هدایت قوم روزهای آخر خود به سوی بنیادها را آغاز کرد. اصلاحات او از زمانی آغاز شده بود که کار بازسازی هیکل در دست گرفته شد.

و در سال هجدهم پادشاهی یوشیا، پادشاه شافان پسر عزلیا، پسر مشلام، کاتب را به خانه خداوند فرستاد و گفت: «نزد حلقیا کاهن اعظم برو تا نقره‌ای را که به خانه خداوند آورده شده و دروازه‌بانان آن را از مردم گرد آورده‌اند، به حساب آورد. و بگذار آن را به دست عاملان کاری که بر خانه خداوند نظارت دارند بسپارند؛ و آنان آن را به کارگران خانه خداوند بدهند تا خرابی‌های خانه را مرمت کنند، یعنی به نجاران و بناها و سنگ‌تراشان، و نیز برای خریدن چوب و سنگ تراشیده به منظور تعمیر خانه.» اما بابت پولی که به دست آنان سپرده می‌شد، با ایشان حساب‌رسی نمی‌کردند، زیرا امینانه رفتار می‌کردند. و حلقیا کاهن اعظم به شافان کاتب گفت: «کتاب شریعت را در خانه خداوند یافته‌ام.» و حلقیا کتاب را به شافان داد و او آن را خواند. و شافان کاتب نزد پادشاه آمد و گزارش را به پادشاه بازگفت و گفت: «بندگان تو پولی را که در خانه یافت شده بود جمع کرده و آن را به دست آنان که کار می‌کنند و بر خانه خداوند نظارت دارند سپرده‌اند.» و شافان کاتب به پادشاه گفت: «حلقیا کاهن کتابی به من سپرده است.» و شافان آن را در حضور پادشاه خواند. و چون پادشاه سخنان کتاب شریعت را شنید، جامه‌های خود را درید. و پادشاه حلقیا کاهن و اخیقام پسر شافان و عکبور پسر میکایا و شافان کاتب و عسایا، خادم پادشاه را فرمان داد و گفت: «بروید و از خداوند برای من و برای قوم و برای تمامی یهودا درباره سخنان این کتابی که یافته شده است، پرس‌وجو کنید؛ زیرا خشم عظیم خداوند بر ما افروخته شده است، از آن رو که پدران ما به سخنان این کتاب گوش فرا ندادند تا بر حسب هر آنچه درباره ما نوشته شده عمل کنند.» دوم پادشاهان ۳: ۲۲-۱۳.

پیشگویی اینکه کودکی با نام یوشیا به دنیا خواهد آمد، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را مشخص می‌کند؛ زمانی که فرشته نیرومند فرود آمد و قوم آخرالزمانی خود را به راه‌های کهن بازگرداند. آن فرود، پیش‌تر با فرود همان فرشته در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمونه‌وار شده بود. هر دو فرود نشان‌دهنده تحقق پیشگویی‌ای درباره اسلام بودند. شخصیت تاریخی‌ای که نامش با شناسایی از پیش و انتشار پیشاپیش پیش‌بینی تحقق نبوت زمانی مربوط به اسلام، که در مکاشفه باب ۹ آیه ۱۵ آمده، پیوند خورده است، یوشیا بود.

در هر دو نزول فرشته، چه در فصل دهم و چه در فصل هجدهم کتاب مکاشفه، نام «یوشیا» مشخص شده است. یوشیا لیچ پیام اسلام را ارائه کرد که در 11 اوت 1840 تحقق یافت، و در 11 سپتامبر

2001، پیشگویی تولد کودکی به نام یوشیا که توسط پیامبر نافرمان در تاریخ یربعام بیان شده بود، در ادونتیسیم لائودیکیه‌ای تحقق یافت، هنگامی که فرشته قوم روزهای آخر خود را به تاریخ بنیادین بازگرداند؛ همان‌جا که رویارویی پیامبر نافرمان و یربعام به تحقق نهایی خود رسیده بود. شهادت کتاب مقدس حاکی از پیشگویی آمدن شخصی به نام یوشیا بود، و هنگامی که تاریخی که با پیامبر نافرمان نمونه‌وار شده بود در 1844 تکرار شد، پیشگویی او درباره آن نام بار دیگر در روایت نبوی جای گرفت.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شیر قبیله یهودا قوم روزهای آخر خود را به راه‌های کهن ارمیا بازگرداند؛ راه‌هایی که نمایانگر چهل‌وشش سالی بود که در آن فرستاده عهد معبدی برپا کرده بود تا در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ناگهان به آن بیاید. یوشیا هنگامی که کار تعمیر معبد را آغاز کرد، لعنت موسی را کشف کرده بود. کار صد و چهل و چهار هزار نفر در بیان اشعیا به‌عنوان کاری برای بازسازی معرفی شده است.

و خرابه‌های کهن را باز بنا خواهند کرد، و ویرانی‌های پیشین را از نو برپا خواهند داشت، و شهرهای ویران را، و ویرانی‌های نسل‌های بسیار را، مرمت خواهند کرد. اشعیا ۶۱:۴

کار یوشیا در تعمیر و بازسازی معبد، همان کاری است که اشعیا آن را کاری می‌داند که به دست قوم خدا در آخرالزمان به انجام می‌رسد، زیرا همه پیامبران پیش از روزگاری که خود در آن می‌زیستند، درباره روزهای آخر سخن گفته‌اند. آن کار همچنین در زمان عزرا، به وسیله کسانی که از بابل بازگشتند، نمونه‌وار نشان داده شد.

زیرا ما بردگان بودیم؛ اما خدای ما در بردگی‌مان ما را ترک نکرد، بلکه در نظر پادشاهان پارس به ما رحمت فرمود تا به ما حیاتی تازه ببخشد، تا خانه خدایمان را برپا داریم و ویرانی‌های آن را مرمت کنیم، و برای ما در یهودا و در اورشلیم حصار عطا کند. عزرا ۹:۹.

کاری که عزرا پیش می‌برد، پس از آنکه آنان از بابل بیرون آمده بودند به انجام رسید، و نمایانگر کار بازسازی معبد است که یوشیا انجام می‌داد؛ همان کاری که اشعیا آن را برای قوم آخرالزمانی خدا شناسایی کرده است، و این کار در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. یوحنا نیز در کتاب مکاشفه آن کار را شناسایی می‌کند.

و آن صدا که از آسمان شنیده بودم بار دیگر با من سخن گفت و گفت: برو و آن کتابچه گشوده را که در دست آن فرشته است که بر دریا و بر زمین ایستاده، بگیر. پس نزد فرشته رفتم و به او گفتم: کتابچه را به من بده. او به من گفت: آن را بگیر و بخور؛ شکمت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود. و من کتابچه را از دست فرشته گرفتم و آن را خوردم؛ و در دهانم چون عسل شیرین بود، و همین که آن را خوردم، شکم تلخ شد. و به من گفت: باید بار دیگر در حضور قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها و پادشاهان بسیار نبوت کنی. و به من نی‌ای داده شد مانند عصا؛ و فرشته ایستاده بود و می‌گفت: برخیز و هیکل خدا و مذبح را و آنان را که در آن پرستش می‌کنند اندازه بگیر. اما صحن بیرون هیکل را واگذار و آن را اندازه بگیر، زیرا به غیریهودیان داده شده است؛ و آنان شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. و به دو شاهد خود قدرت خواهم داد، و آنان هزار و دویست و شصت روز، در جامه پلاس، نبوت خواهند کرد. مکاشفه ۱۰:۸ تا ۱۱:۳.

در این بخش، یوحنا نماینده پیروان میلر است؛ کسانی که هنگامی که آن فرشته در 11 اوت 1840 فرود آمد، پیامی را که در دستش بود بلعیده بودند، اما آنان همچنین نومیدی تلخ 22 اکتبر 1844 را نیز تجربه کرده بودند. در مواجهه با نومیدی تلخ 1844، به یوحنا گفته شد که او، به‌عنوان نمادی از قوم خدا در ایام آخر، باید تجربه‌ای را که از 1840 تا 1844 نمایانده شده بود تکرار کند و بدین‌سان به 11 سپتامبر 2001 و به قانون یکشنبه‌ای که به زودی می‌آید اشاره کند. به او گفته شد: «باید بار دیگر در برابر بسیاری از قوم‌ها و ملت‌ها و زبان‌ها و پادشاهان نبوت کنی»، که نمایانگر روشن‌شدن تمام جهان

است، هنگامی که فرشته در مکاشفه هجده فرود می‌آید، آنگاه که تاریخ فصل دهم مکاشفه تکرار می‌شود — «خط بر خط».

در ارتباط با شناسایی گذشته‌ای که هنگام نبوت دوباره قوم خدا در روزهای آخر تکرار می‌شد، به یوحنا گفته شد: «برخیز و هیکل خدا را اندازه بگیر.» این «اندازه‌گیری» دقیقاً معین شده بود، زیرا او در سال ۱۸۴۴ قرار داده شده بود، جایی که شکمش از نومیدی بیست و دوم اکتبر تلخ شد. به او گفته شد هیکل را اندازه بگیرد، اما صحن را کنار بگذارد، که به او گفته شده بود نمایانگر زمان امت‌هاست؛ زمانی که آنان به مدت هزار و دویست و شصت سال صحن را پایمال خواهند کرد. این هزار و دویست و شصت سال در ۱۷۹۸ پایان یافت. یوحنا می‌بایست اندازه‌گیری خود را از ۱۷۹۸ آغاز کند و هزار و دویست و شصت سال پیش از آن را — که در آن هیکل روحانی و اورشلیم روحانی پایمال شده بودند — کنار بگذارد. او در زمان نومیدی سال ۱۸۴۴ ایستاده بود؛ پس فاصله ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ چهل و شش سال است. این چهل و شش سال نمایانگر هیکل است.

هنگامی که یوحنا، به‌عنوان قوم روزهای آخر خدا، می‌بایست بار دیگر نبوت کند، چنان‌که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ کرده بودند، آنان از زمانی آغاز می‌کردند که فرشته در هنگام تحقق نبوتی درباره اسلام فرود آمد. کار نبوت دوباره آنان مستلزم کاری برای اندازه‌گیری هیکل بود، و آن کار نمایانگر بررسی «راه‌های کهن» بود؛ یعنی تاریخی که به وسیله «هیکل» نمایندگی می‌شد، که در زمان پایان در ۱۷۹۸ آغاز شد و با یاس بزرگ ۱۸۴۴ پایان یافت. چون کار بررسی راه‌های کهن ارمیا را آغاز کردند، که همان «هیکل چهل و شش ساله» یوحناست، لعنت موسی در آوار پراکنده در سراسر هیکل یافت شد، و پیشگویی آمدن یوشیا تحقق یافت. کار یوشیا نیز بار دیگر به وسیله اشعیا مشخص شده است:

و کسانی که از تو پدید خواهند آمد، خرابه‌های کهن را بازسازی خواهند کرد؛ بنیادهای نسل‌های بسیار را برپا خواهی کرد؛ و تو را «مرمت‌کننده رخنه‌ها» و «بازساز راه‌ها برای سکونت» خواهند خواند. اشعیا ۵۸:۱۲.

قوم آخرالزمانی خدا می‌بایست «راه‌هایی برای سکونت» را بازسازی کنند که همان «راه‌های کهن» ارمیا هستند. آنان باید ویرانه‌های دیرین را باز بنا کنند، چنان‌که کارگزاران در روزگار یوشیا و عزرا انجام می‌دادند. آنان باید روش «خط بر خط» را به کار گیرند؛ زیرا ایشان صرفاً تاریخ بنیادین ادونتیسزم را «برپا» نمی‌کردند، تاریخی که با هیکلی که در مدت چهل و شش سال ساخته شد نمایانده می‌شود، بلکه در انجام این کار می‌بایست «بنیادهای نسل‌های بسیار را برپا سازند». آنان می‌بایست تشخیص دهند که هر جنبش اصلاحی کاری بنیادین را نمایندگی می‌کند، و اینکه «خط بر خط» بنیان‌های آخرالزمانی ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ را مشخص می‌کند. آنان باید «رنه» را مرمت کنند، و رخنه نمایانگر شکستگی آغازین در یک ظرف یا دیوار است که راه را برای فاجعه بیشتر می‌گشاید. آن «رنه» ای که باید مرمت می‌شد، سرکشی ۱۸۶۳ بود.

وقتی یوشیا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رسید، قوم خدا در روزهای آخر به راه‌های کهن ارمیا بازگشتند و به سنجش تاریخ میلی‌ها پرداختند. آنها «شکاف» را کشف کردند. در حالی که «خرابه‌های کهن» را بنا می‌کردند، حقیقت گهرهای خواب‌میلر را شناختند. آنان، چنان‌که یوشیا کرده بود، «هفت زمان» را یافتند و حقیقت لایوان بیست و شش را احیا کردند و بدین‌سان «ویرانی‌های نخستین» را از نو بنا کردند. وقتی «ویرانی نخستین» و «ویرانی آخرین» در لایوان بیست و شش را بازسازی کردند، آنگاه دریافتند که یکی در ۱۷۹۸ پایان یافته بود و دیگری در ۱۸۴۴. از این رو، کار آنان در برپا کردن ویرانی‌های نخستین، همان «عصا»یی بود که به یوحنا داده شد تا هیکل را اندازه بگیرد.

شیر قبیله یهودا قوم خود را به راه‌های کهن بازگرداند تا بتوانند پیام باران پسین را ببینند، و پیام باران پسین همان پیام اسلام وای سوم است. هنگامی که سرانجام دو لوح مقدس حبقوق را، که در

نمودارهای پیشگامان ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ بازنمایی شده بود، کشف کردند، دیدند که بنیاد شامل «سه وای» باب هشتم مکاشفه است و اینکه وای دوم در تاریخ بنیادینی که در آن هیکل میلریتی برپا شده بود، پایان یافته بود. سپس دریافتند که فهم قاعده تطبیق سه گانه نبوت‌ها پیش‌تر به دست شیر قبيله يهودا برقرار شده بود، تا چون به راه‌های کهن ارمیا بازگشتند، بتوانند «استراحت و تجدید قوا» را بشناسند که همان پیام باران پسین وای سوم است، پیامی که با دو شاهد وای نخست و وای دوم شناسایی و تثبیت می‌شود.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

دشمن در پی آن است که اندیشه‌های برادران و خواهران ما را از کار آماده‌ساختن قومی برای ایستادن در این روزهای آخر منحرف کند. سفسطه‌های او به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ذهن‌ها را از خطرات و وظایف زمان حاضر دور سازند. آنان نوری را که مسیح از آسمان آورد تا برای قوم خود به یوحنا بدهد، هیچ می‌شمارند. آنان تعلیم می‌دهند که وقایعی که درست پیش روی ماست آن قدر اهمیت ندارند که شایسته توجه ویژه باشند. آنان حقیقت با منشأ آسمانی را بی‌اثر می‌سازند و قوم خدا را از تجربه‌های گذشته‌شان محروم می‌کنند و به جای آن به آنان علم کاذبی می‌دهند.

خداوند چنین می‌گوید: در راه‌ها بایستید و بنگرید و از راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن راه بروید. ارمیا ۱۶:۶.

بگذار هیچ‌کس در پی برکندن بنیان‌های ایمان ما نباشد؛ بنیان‌هایی که در آغاز کارمان با مطالعه دعاگونه کلام و به واسطه وحی نهاده شد. بر همین بنیان‌ها در پنجاه سال گذشته بنا کرده‌ایم. ممکن است مردم گمان کنند که راهی نو یافته‌اند و می‌توانند بنیانی استوارتر از آنچه نهاده شده است پی‌ریزی کنند، اما این فریبی بزرگ است. هیچ‌کس نمی‌تواند بنیانی جز آن که نهاده شده است، بگذارد.

در گذشته، بسیاری به ساختن ایمانی نو و برپایی اصولی تازه همت گماشته‌اند. اما بنای آنان چه مدت برجا ماند؟ به زودی فرو ریخت، زیرا بر صخره بنا نشده بود.

آیا شاگردان نخستین ناچار نبودند با سخنان مردم روبه‌رو شوند؟ آیا مجبور نبودند به نظریه‌های باطل گوش دهند و سپس، پس از انجام همه‌چیز، استوار بایستند و بگویند: «هیچ‌کس نمی‌تواند بنیانی جز آنچه نهاده شده بگذارد»؟ اول قرن‌تین ۱۱:۳.

پس باید آغاز اطمینان خود را تا به پایان، استوار نگه داریم. سخنان پر قدرتی از سوی خدا و مسیح برای این قوم فرستاده شده است تا ایشان را نکته‌به‌نکته از جهان بیرون آورد و در پرتو روشن حقیقت حاضر قرار دهد. با لب‌هایی که آتش مقدس آن‌ها را لمس کرده است، خادمان خدا پیام را اعلام کرده‌اند. بیان الهی مهر خود را بر اصالت حقیقت اعلام شده نهاده است. شهادت‌ها، جلد ۸، ۲۹۶، ۲۹۷.